

پژوهشنامه تمدن ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

بررسی و تحلیل نگرش حکومت های ایران به مذهب تشیع بر مبنای متون مسکوکات (از قرن چهار تا قرن هفت هجری)

سید مسعود شاهمرادی^۱

چکیده

سکه شناسی نقش برجسته ای در بازشناسی تحولات مذهبی دارد. با شکل گیری فرقه های مختلف اسلامی و همچنین پیدایش حکومت های مستقل در جهان اسلام، عقاید مذهبی حاکمان مختلف در شعارهای حک شده بر سکه های آنان نمود یافته است. در طول قرون چهار تا هفتم هجری، شعائر و متون شیعی بر سکه های برخی از حکومتگران ایران حک شده است. بررسی شعائر شیعی حک شده بر سکه های هر کدام از این حاکمان، اطلاعات با ارزشی در مورد نگرش و سیاست مذهبی آنان ارائه می دهد. مسئله پژوهش حاضر بررسی و تحلیل مفاهیم و شعائر شیعی حک شده بر سکه های آل مسافر، آل بویه، آل باوند و اسماعیلیه نزاری ایران در دوره الموت، است. هدف پژوهش بازشناسی اعتقادات و سیاست های مذهبی این حکومتگران است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. نتیجه پژوهش علاوه بر اینکه نمایانگر تعلقات و سیاست های شیعی این حاکمان است، نشانگر نقش و کاربرد دانش سکه شناسی در مطالعات تاریخ تشیع در ایران نیز خواهد بود.

واژه های کلیدی: ایران، تشیع، سکه، آل مسافر، آل بویه، آل باوند، اسماعیلیه نزاری.

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی / دانشگاه علوم پزشکی زنجان. s.m.shahmoradi@gmail.com

*Investigating and Analyzing the Attitude of Iranian Governments
towards the Shiite Religion based on Coin Inscriptions (From the 4th
century to the 7th century AH)*

Abstract

Numismatics plays a prominent role in recognizing religious developments. With the formation of various Islamic sects, as well as the emergence of independent governments in the Islamic world, the religious beliefs of the various rulers were reflected in the slogans engraved on their coins. During the 4th to 7th centuries AH, Shiite slogans and texts were engraved on the coins of some Iranian rulers. Examining the Shiite slogans engraved on the coins of each of these rulers' government provides valuable information about their religious attitudes and policies. The Question of the present study is to investigate and analyze the Shiite concepts and slogans engraved on the coins of Musafirids, Buyids, Bavandids and Nezari Ismaili of Iran during the Alamut period. The aim of the study is to Recognize the religious beliefs and policies of these rulers. The research method is descriptive-analytical. The results of the research will show the Shiite affiliations and policies of these rulers and the role and application of numismatics in the Studies of Shiite history in Iran.

Keywords: Iran, Shiism, Coins, Musafirids, Buyids, Bavandids, Nezari Ismaili

۱- مقدمه

سکه ها از بهترین و معتبرترین اسناد تاریخی به شمار می آیند و در شناخت بسیاری از مسائل تاریخی نقش موثری ایفاء می کنند. به یاری دانش سکه شناسی می توان جنبه های مختلفی از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مقاطع مختلف تاریخی را باز نمایاند. اهمیت این نکته هنگامی بیشتر آشکار می شود که بدانیم امکان تحریف و قلب حقایق تاریخی در سکه شناسی کمتر میسر است زیرا یکی از امتیازات مهم سکه ها، صحیح و سالم ماندن بسیاری از آنهاست. به علاوه در دوره هر فرمانروا تعداد بسیاری سکه های مشابه ضرب شده اند که نمونه هایی از آنها از دستبرد زمانه محفوظ مانده و به دست ما رسیده اند. (ر.ک: سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۳-۴)

متون حک شده بر سکه ها از مهم ترین ابزارهای پژوهشگران در بازشناسی ادیان و مذاهب مردمان گوناگون و نواحی مختلف به شمار می آیند و اطلاعات روشن و با ارزشی از اعتقادات دینی و مذهبی مردمان هر سرزمین و عصری را نشان می دهند که آن سکه ها در آنجا رواج داشته اند. نوشته ها و شعارهای اعتقادی منقوش بر سکه ها غالباً بیانگر این نکته است که سلاطین هر عصر (صاحبان سکه) و مردمان تحت نظر آنها کدامین اعتقاد دینی و مذهبی را داشته اند و یا اینکه فرمانروایان هر دوره بر کدام یک از گروههای مذهبی زمان خویش متکی بوده و سعی در جلب حمایت آنان داشته اند. استفاده از شعارهای دینی بر سکه های پیش از اسلام ایران مشاهده می شود و در دوران اسلامی نیز ادامه یافته است. استفاده از شعارهای اسلامی بر روی سکه های دوره اسلامی نشان دهنده این واقعیت است که زندگی در جوامع اسلامی، از جمله ایران، در همه ابعاد با دین در آمیخته و حکومتهای وقت نیز با استناد به این امر به حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود ادامه می داده اند. (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۴)

شعارهای حک شده بر روی سکه های دوران اسلامی تنها محدود به شعارهای دینی، نظیر عبارات «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله» و آیات قرآن، که بطور عام اسلام و مسلمانان را از دیگر ادیان متمایز می کرد، نبود. در واقع با ظهور مذاهب مختلف اسلامی و به دنبال آن شکل گیری حکومتهای مختلف در نواحی گوناگون جهان اسلام، که به هریک از این مذاهب وابستگی و

دلبستگی داشتند، شعارهای حکم شده بر روی سکه های این دولتها معطوف به بیان این وابستگی های مذهبی و فرقه ای نیز گردید. بنابراین می توان از «دانش سکه شناسی» در بررسی تحولات تاریخ تشیع نیز بهره های بسیار برد زیرا یکی از مهمترین ابعاد پژوهشی سکه ها، به عنوان اسناد رسمی و حکومتی، شعارهای مذهبی حکم شده بر روی آنهاست که همواره نشانگر گرایش ها و سیاستهای مذهبی حکومتها و تمایلات و تعلقات مذهبی مردمان تحت تسلط آنان است.

۱-۱- بیان مسئله

مسئله پژوهش حاضر بررسی نگرش حکومتگران ایران، از قرن چهار تا قرن هفتم هجری، به مذهب تشیع بر مبنای متون حکم شده بر سکه های این دوران است. بر این مبناء، ابتدا این امر بررسی خواهد شد که مفاهیم و شعائر شیعی بر سکه های کدام یک از حکومتگران ایران وجود دارد و در وهله دوم، مفاهیم و شعائر شیعی یافت شده مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت. در طول این مدت بر سکه های آل مسافر (سَلاریان)، آل بویه، آل باوند و اسماعیلیه نزاری ایران در دوره الموت، نوشته ها و شعائر مربوط به مذهب تشیع مشاهده می شود. متون حکم شده بر سکه های هر کدام از این حکومتگران اطلاعات با ارزشی در مورد چگونگی نگرش مذهبی (شیعی) این حاکمان ارائه می دهند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در رابطه با پیشینه پژوهش بایست گفت در آثار عمومی سکه شناسی نظیر کتب «سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان» (تألیف رضائی باغ بیدی)، «سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه» (تألیف سرفراز و آورزمانی) و «سکه های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان» (تألیف علاءالدینی) بصورت توصیفی و گذرا به حکم شعارهای شیعی بر سکه های برخی حکومتگران این دوران اشاره شده است. در مقاله «نخستین داعیان اسماعیلی در شمال غربی ایران

و خراسان و ماوراء النهر» (تألیف شترن، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۵۳) نیز به سکه های آل مسافر اشاره شده است. مقاله «سکه ای یکتا و بی همتا از دژ الموت» (تألیف اعظمی، نشریه گوهر، ش ۱) نیز توصیف یکی از سکه های کشف شده از اسماعیلیه نزاری ایران است. در مقاله «شعائر شیعی بر سکه های اسلامی تا شکل گیری حکومت صفویان» (تألیف سرافرازی، شیعه شناسی، ش ۵۱) نیز اشاراتی کوتاه و توصیفی به سکه های آل مسافر، باوندیان و اسماعیلیه نزاری ایران وجود دارد. مقاله حاضر در صدد است علاوه بر توصیف شعائر و متون شیعی حک شده بر سکه های آل مسافر، آل بویه، آل باوند و اسماعیلیه نزاری ایران، با دیدی تحلیلی این متون و شعائر را بررسی نماید.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت و اهمیت این پژوهش، علاوه بر نشان دادن بخشی از تحولات تاریخ تشیع ایران در قالب بازنمایی تعلقات و سیاستهای مذهبی حکومت های آل مسافر، آل بویه، آل باوند و اسماعیلیه نزاری ایران بر متون سکه های آنان، در نشان دادن نقش و کاربرد دانش «سکه شناسی» در مطالعات تاریخ تشیع در ایران است.

۲- سکه های آل مسافر (سلاریان)

حکومتگران آل مسافر (سلاریان یا کنگریان) از دیلم ظهور کردند و سپس مناطق شمال غربی ایران تا ارمنستان را تحت سلطه خویش درآوردند و در نهایت در خاستگاهشان، دیلم، از صحنه تاریخ حذف شدند. به نوشته کسروی «محمد بن مسافر» نخستین فرد از آل مسافر است که شناخته شده است. (کسروی، بی تا: ۳۹) محمد بن مسافر در سال ۳۳۰ ق. گرفتار توطئه پسران خود، وهسودان و مرزبان، شده و برکنار گردید (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۶) و حکومت در دست وهسودان قرار گرفت. (۳۳۰-۳۳۵ ق.). مرزبان، پسر دیگر محمد بن مسافر، به سوی آذربایجان رفت و حکومت سالاریان آذربایجان را بنیاد گذارد. بدینگونه خاندان آل مسافر به دو شاخه تقسیم شد: شاخه آذربایجان که توسط مرزبان اول ابن محمد ایجاد شد؛ و دیگری شاخه دیلم که وهسودان بن

محمد سرسلسه آن محسوب می شود. (ر.ک: بازورث، ۱۳۸۱: ۲۹۲-۲۹۳) شاخه دیلم آل مسافر احتمالاً توسط اسماعیلیان الموت برافزاده است. در رابطه با شاخه آذربایجان آل مسافر نیز بایست گفت شکوه و نیرومندی عمده آل مسافر در زمان بنیان گذار این حکومت، مرزبان پسر محمد، بوده و پس از مرگ او، آنان چندان شکوهی نداشتند و دیری نپائید که از میان رفتند. (کسروی، بی تا: ۵۵ و ۵۶) کسروی، ابوالهیجاء-نوه سالار مرزبان و فرزند ابراهیم-را آخرین فرمانروای سالاری تلقی کرده که پس از او کسی از آل مسافر در آذربایجان یا جای دیگر فرمانروائی نداشته است. (ر.ک: کسروی، بی تا: ۱۲۱-۱۲۲)

بیشتر سکه های آل مسافر در اردبیل ضرب شده اند؛ دیگر ضربخانه های آنان نیز عبارت بودند از: آذربایجان، ارمینیه، ارمیه (ارومیه)، برذعه، جلال آباد و مراغه. به ضربخانه های ابهر و دیلم نیز اشاره شده است. (رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۴۱۷) از نظر شاعر حک شده بر سکه ها، آل مسافر دو گونه از سکه ها را ضرب کرده اند: سکه های دارای شاعر شیعی و سکه های فاقد شاعر شیعی. بر سکه های دارای شاعر شیعی آل مسافر عبارات «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله»، «بسم الله (مکان و تاریخ ضرب)» و اسامی «محمد، علی، الحسن، الحسین، علی، محمد، جعفر، اسماعیل، محمد» آمده و در پشت این سکه ها نیز عبارات «علی خلیفه الله»، «وهسودان بن محمد سیف آل محمد» و آیه ۵۵ از سوره المائده (إِنَّمَا وَرِثَكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) حک شده است. (ر.ک: رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۴۲۰؛ شترن، ۱۳۴۵: ۵۲؛ ترابی طباطبائی، ۲۵۳۵: ۱۴؛ ترابی طباطبائی، ۱۳۵۱: ۷۰؛ کسروی، ۱۳۱۱: ۲۲۶)

تفسیر و تحلیل سکه های دارای شاعر شیعی آل مسافر اطلاعات قابل توجهی در اختیار می گذارد:

۱. حک کلام «علی خلیفه الله» بر این سکه ها جنبه شیعی به معنای «عام» دارد و جهت گیری مذهبی (شیعی) آل مسافر را بطور کلی مشخص می کند. نقش عنوان کاملاً شیعی «سیف آل محمد» نیز بر سکه های آل مسافر (سکه های ضرب جلال آباد (۳۴۳ق.) و

اردبیل (۳۶۶ و ۳۵۷ ق.) و هسودان؛ ر. ک: رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۴۲۰ و ۴۲۲؛ شترن، ۱۳۴۵:

۵۱-۵۲ و ۵۳) نیز نشان از احترام و علاقه خاص آل مسافر به اهل بیت (ع) دارد.

۲. حک آیه ۵۵ سوره مائده بر روی این نوع از سکه های آل مسافر هم با این هدف صورت گرفته که مشروعیت اهل بیت (ع) را در حاکمیت بر جامعه اسلامی نشان دهد و بدینگونه بصورت غیرمستقیم مشروعیت خلافت عباسی را زیر سؤال برد؛ با توجه به عقاید شیعی آل مسافر، این امر برای اثبات مشروعیت مذهبی - سیاسی آنان نیز کاربرد داشته است. لازم به ذکر است در شأن نزول این آیه نقل شده که روزی سائلی وارد مسجد شد و از مردم تقاضای کمک کرد؛ در همین حال علی (ع) که در حال رکوع بود، سائل را با اشاره فراخواند و انگشتی خود را به او بخشید. پیامبر (ص) با مشاهده این عمل فرمود: «خداوندا! از خاندانم علی را وزیر من گردان تا به وسیله او پشتم قوی و محکم گردد». نقل شده هنوز دعای پیامبر (ص) پایان نیافته بود که این آیه بر او نازل شد. (ر. ک: امامی، ۱۳۸۵: ۱۸۴-۱۸۶)

۳. نکته ای مهمتر که جنبه ای اختصاصی از عقاید شیعی آل مسافر را نمایان می سازد، اسامی ذکر شده (محمد، علی، الحسن، الحسین، علی، محمد، جعفر، اسماعیل، محمد) بر این گونه از سکه های مسافریان است زیرا فهرست نام امامان به شیوه مذهب تشیع اسماعیلی را دربر دارد. هفت نام نخست این فهرست ویژگی خاص اسماعیلی ندارند ولی دو نام آخر فهرست، یعنی اسماعیل و محمد، کاملاً صبغه اسماعیلی دارند، زیرا اسماعیل پسر امام صادق (ع) و محمد بن اسماعیل، نوه آن حضرت، در معتقدات اسماعیلیه مقامی ارجمند دارند. نکته مهمتر اینکه حک نام «محمد بن اسماعیل» بر روی این نوع از سکه های آل مسافر و یاد نکردن از امام یا خلیفه فاطمی وقت، نشان می دهد که در حکومت مسافریان، مذهب «اسماعیلیه قرمطی» رسمیت داشته است. به عبارت دیگر، این امر نشان می دهد که آل مسافر (بویژه و هسودان و برادرش مرزبان) پیرو گونه قرمطی مذهب اسماعیلی بوده اند و به مهدویت محمد بن اسماعیل (و نه امامت خلیفه فاطمی وقت، معز) اعتقاد داشته اند. لازم به ذکر است تمایل و اعتقاد به

مهدویت محمد بن اسماعیل (عقیده قرامطه) هنوز در نیمه قرن چهارم هجری، یعنی دوره ای که سکه های مورد بحث ما نیز از آن دوره است، شدت داشته است، تا جایی که خلیفه یا امام فاطمی وقت، معز (۳۴۱-۳۶۵ ق.)، ناچار شد ردیه هائی علیه آن دسته از اسماعیلیان که از نظر سیاسی طرفدار فاطمیان بودند و ظاهراً خلیفه فاطمی را پیشوای سیاسی خود و خلیفه محمد بن اسماعیل می شمردند، نه امام موید من عندالله، منتشر سازد. می توان فرض کرد که وهسودان نیز پیرو معتقدات آن دسته بوده که معز علیه آنها ردیه صادر کرده است. (شترن، ۱۳۴۵: ۵۸؛ همچنین بنگرید به: کسروی، ۱۳۱۱: ۲۲۷-۲۲۸) لازم به ذکر است ابن حوقل، که از آذربایجان در حوالی سال ۳۴۴ ق. دیدار کرده، ضمن اشاره به عده زیاد اسماعیلیان در آذربایجان می نویسد: «و کثیر من الباطنیه البقلیه فیهم». (ابن حوقل، ۱۹۳۸، ج ۲: ۳۴۹) آنچنان که در منابع فرقه شناسی آمده، «بقلیه» نام طائفه ای از قرامطه است. (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۰: ۲۹۵/۱) دفتری معتقد است داعیان ری، که در این دوران ادعاهای فاطمیان را رد می کردند و همچنان معتقد به رجعت محمد بن اسماعیل باقی مانده و با رهبران قرمطی تماس نزدیکی داشتند، آل مسافر، از جمله مرزبان بن محمد و برادرش وهسودان، را به کیش اسماعیلی در آورده اند. (دفتری، ۱۳۷۶: ۱۵۴) اینگونه از سکه های آل مسافر می توانند به عنوان مویدی جهت آن دسته از روایات تاریخی که نشانگر مذهب اسماعیلیه قرمطی آل مسافر هستند، محسوب شوند.

در رابطه با سکه های فاقد شعائر شیعی آل مسافر (بویژه مرزبان بن محمد، موسس شاخه آذربایجان آل مسافر) بایست گفت مسافریان به عنوان حکومتی محلی و دارای توان محدود سیاسی و نظامی، ناچار بودند توازن سیاسی و مذهبی را در رابطه با حکومتهای قدرتمند زمان مراعات کنند. بنابراین بر روی برخی از سکه های آنان نه تنها هیچگونه شعائر شیعی مشاهده نمی شود بلکه اسامی برخی خلفای عباسی نظیر مقتدر، متقی و مطیع و همچنین نام برخی حاکمان آل بویه نظیر

رکن الدوله آورده شده است. در رابطه با حک نام برخی خلفای عباسی می توان گفت این امر به معنای اعتقاد مسافریان به مشروعیت مذهبی خلفای عباسی نبوده بلکه صرفاً جنبه سیاسی داشته است. در رابطه با حک نام حاکم بویه نیز می توان گفت این امر نمادی برای بیان تبعیت ظاهری از حاکمان آل بویه، که قدرت مسلط در ایران قرن چهارم هجری بودند، به شمار می آمده است.



سکه وهسودان بن محمد/ضرب جلال آباد/۳۴۳ق. (سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران، ص ۱۴؛ رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی، ص ۷۰)



سکه وهسودان بن محمد/ضرب جلال آباد/۳۴۳ق. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۴۲۰)

متن روی سکه ها: لا اله الا الله/محمد رسول الله/بسم الله ضرب هذا الدرهم بجلال آباد سنه ثلث و اربعین و ثلثمائه/محمد/علی/الحسن/الحسین/علی/محمد/جعفر/اسمعیل/محمد/متن پشت سکه ها: علی خلیفه الله/وهسودان بن محمد سیف آل محمد/انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلواه و یوتون الزکوه و هم راکعون. (آیه ۵۵ سوره المائده)

۳- سکه های آل بویه

جد خاندان بویه، ابوشجاع بویه پسر فناخسرو دیلمی است که از میان یکی از طوایف دیلمی برخاسته است. (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۹/۲۹۰) وی سه پسر داشت که بعداً هر سه به سلطنت رسیدند؛ پسر بزرگ علی، دومی حسن و سومی احمد نام داشتند. آنان با تصرف اصفهان و سپس فارس، قدرت آل بویه را استوار گردانیدند تا اینکه در سال ۳۳۴ ق. عراق، مرکز خلافت عباسی، نیز به تصرف آنان درآمد. خلیفه عباسی، مستکفی، با استقبال از آل بویه، احمد را «معزالدوله» نامید و برادرش علی را «عمادالدوله» و دیگر برادرش حسن را «رکن الدوله» لقب داد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/۱۶۷؛ بهار، بی تا: ۳۷۹) بدین ترتیب برای نخستین بار یکی از سلسله های ایرانی توانست خلافت عباسی را زیر سلطه خویش بگیرد و بیش از یک قرن تعیین کننده سیاست های دستگاه خلافت عباسی باشد. با این حال پس از مدتی قلمرو وسیع آل بویه میان بویهیان تقسیم گشت و به سه شاخه جبال، عراق و فارس تجزیه شد. تفرقه در قدرت آل بویه زمینه ضعف آنان را فراهم ساخت و در نهایت سرزمینهای تحت تسلط آنان به دست غزنویان و سلجوقیان افتاد. عصر آل بویه بی گمان اوج دورانی بود که «رساناس اسلامی» نامیده شده و از بسیاری جهات دوره عظمت فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون اولیه هجری محسوب می شود. (کرمر، ۱۳۷۵: ۳۴)

نکته مهم درباره آل بویه اینکه آنان اعتقادات شیعی آشکاری داشتند تا بدانجا که در سال ۳۵۱ ق. به دستور معزالدوله برخی از شعارهای شیعی بر سردر مساجد بغداد نوشته شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/۲۵۶) و از سال ۳۵۲ ق. به دستور او بزرگداشت مراسم عاشورا (ابن جوزی، بی تا: ۱۵/۷) و عید غدیر خم (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/۲۶۲) نیز معمول گردید. ابن اثیر نیز می نویسد: «دیالمه شیعه بودند و در اعتقاد خود غلو می کردند. اعتقاد آنان این بود که خلافت حق علویان است و عباسیان آن منصب را از کسانی که استحقاق آن را داشته اند، غصب کرده اند. معزالدوله حتی قصد داشت منصب خلافت را از عباسیان سلب و این مقام را به یکی از علویان واگذارد اما با توصیه یکی از

همراهان خود که خطرات این امر برای آل بویه را گوشزد کرد، از این امر منصرف شد». (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۶۹/۲۰-۱۷۰)

مسکوکات آل بویه منابع اطلاعاتی با ارزشی برای مورخان به شمار می آیند زیرا فراوانی القاب، اسامی و ضرابخانه ها از مناسبات شاهزادگان شاخه های متعدد آل بویه با یکدیگر و دست نشاندگانی که حاکمیت آنها را به رسمیت می شناختند و نیز از وسعت قلمرو آنها اطلاعات ارزشمندی به دست می دهند. (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۷؛ رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۴۹۶) بیشتر سکه های بویهی درهم و تعداد اندکی از آنها دینار هستند. تاکنون سکه ای مسی از آل بویه به دست نیامده است. درهم و دینارهای بویهی در بیش از شصت ضرابخانه ضرب شده اند؛ بیشتر دینارها در سوق الاهواز، مدینه السلام و سپس اصفهان و حمدیه و همدان ضرب شده اند. فعال ترین ضرابخانه در ضرب سکه های درهم شیراز بوده است. (ر.ک: رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۴۹۴-۴۹۶؛ معطوفی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۶؛ سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۷)

سکه های آل بویه به سبک و تقلید سکه های عباسی ضرب شده اند. (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۶ و ۱۹۷؛ معطوفی، ۱۳۹۲: ۱۵۶) بطور کلی بر روی سکه های آل بویه عبارات «الله»، «محمد رسول الله»، نام خلیفه عباسی و در بعضی از سکه ها نام فرمانروای دیلمی با القاب او آمده و در حاشیه نیز عبارت «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَ دِيْنِ الْحَقِّ لِطَهْرَةِ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ» (برگرفته از آیه ۳۳ سوره توبه) حک شده است. بر پشت این سکه ها نیز عبارات «لا اله الا الله»، «وحده لا شریک له»، نام فرمانروای دیلمی و القاب او دیده می شود و در حواشی آن نیز عبارت «بسم الله ضرب هذا الدرهم (مکان و تاریخ ضرب)» و قسمتی از آیات ۴ و ۵ سوره روم (لِلّٰهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللّٰهِ) نقش بسته است. (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۶؛ همچنین ر.ک: رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۵۰۷-۵۴۰؛ رباح، ۲۰۰۸: ۲۶۳-۲۶۵؛ یوسف، ۲۰۰۳: ۴۹ و ۹۲)

لازم به ذکر است در یکی از منابع در بحث از تشیع آل بویه به سکه ای از آنان اشاره شده که روی آن عبارت «الله/محمد رسول الله/علی ولی الله» حک شده است، با این حال در همین منبع نیز گفته شده که این سکه، سکه ای استثنایی است که به قول نویسنده ای که آن را معرفی کرده، مانند

آن از رکن الدوله و دیگر امرای بویهی یافت نشده است. (مجله میراث فرهنگی، ش ۹، سال ۱۳۷۲، ص ۷۸-۷۹ به نقل از: جعفریان، ۱۳۸۸، ۳۸۰) در منبعی دیگر نیز از «نمونه های نادری» از سکه های شیعی آل بویه با شعار «علی ولی الله» یاد شده که دارای نام رکن الدوله (ضرب فریم) و مجدالدوله (ضرب محمدیه) است. (ر.ک: رمضان، ۲۰۰۸، ۳۲۵) بنابراین در اینجا این پرسش مهم پیش می آید که چرا در سکه های آل بویه اثری از تعلقات شیعی آنان دیده نمی شود و یا اینکه چرا آل بویه به صورت گسترده و رسمی بر روی سکه هایشان نشانی از تعلقات مذهبی (شیعی) خویش را بازنمایی نکرده اند؟ اهمیت این امر هنگامی بیشتر آشکار می شود که بدانیم امرای بویهی در بازنمایی «هویت ملی» خویش بر روی سکه هایشان هیچ تردیدی به خود راه نداده اند در حالی که در مورد «هویت مذهبی» آنان اینگونه نیست. لازم به ذکر است امیران آل بویه علاقه بسیاری به احیای آداب دوران ساسانیان داشتند و به همین سبب در مواردی نظیر اعیاد و جشنهای ایران باستان، سکه های طلا و نقره ای ضرب می کردند که تصویر حاکمان آل بویه به سبک سلاطین ساسانی بر روی آن نقش شده بود. همچنین بر روی برخی از سکه ها به خود لقب شاهنشاه (از القاب دوره ساسانی) نیز می دادند؛ و جالب تر آنکه خط پهلوی ساسانی هم بر روی بعضی از سکه هایشان دیده می شود. تعدادی از این سکه ها از جمله سکه سیمین رکن الدوله با تصویر فرمانروا ضرب محمدیه (ری) به دو خط پهلوی و کوفی، سکه زرین عضدالدوله با تصویر فرمانروا به خط پهلوی و ضرب شیراز به سال ۳۵۹ ق.، و سکه عزالدوله ضرب بغداد، اکنون موجودند. (ر.ک: رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳، ۴۹۷؛ سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹، ۱۹۷؛ معطوفی، ۱۳۹۲، ۱۵۶؛ همچنین بنگرید به: وثیق، ۱۳۸۷، ۹۷؛ رمضان، ۲۰۰۸، ۷۴)

می توان دلایل مختلفی را در مورد عدم بازنمایی «هویت مذهبی (شیعی)» آل بویه بر روی سکه های آنان بیان نمود، از جمله:

۱. آل بویه با وجود اینکه شیعی بودند، در اعمال سیاستهای مختلف خویش عملگرایانه و بسیار محتاطانه اقدام می کردند تا جایی که خلافت عباسی را نیز حفظ کردند؛ زیرا

ملاحظات عملی اتخاذ چنین سیاستی را ایجاب می کرد؛ در این دوران بخش اعظم نواحی ایران و عراق و همچنین سپاهیان ترک، بیشتر سنی بودند. بنا بر این اصولاً آنها در برابر اکثریت سنی مناطق تحت سلطه خود نمی توانستند موضع صریحی داشته باشند. (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۸: ۳۷۴-۳۷۵) از دیگر سو، آل بویه به مرجعیت مذهبی خلیفه عباسی در جهان اسلام برای مشروعیت بخشیدن به قدرت خویش (به ویژه در برابر فرمانروایان سنی مذهب رقیب همچون سامانیان) نیاز داشتند. بنا بر این آل بویه ناگزیر بودند که میان گرایش شیعی خویش و جایگاه و فشار اهل سنت موازنه ای دقیق برقرار سازند. در واقع با وجود اینکه آل بویه مذهب شیعی داشتند اما مصالح سیاسی آنان بر عقاید مذهبی شان غلبه داشت؛ بنابراین نایست در مورد نقش مذهب (تشیع) در تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان مبالغه نمود. شاهد این ادعا این که آل بویه آنجا که مصالح سیاسی آنها اقتضا می کرد، با شیعیان نیز برخورد خصمانه داشتند از جمله فاطمیان و حمدانیان که منازعات آل بویه با آنان مشهور است. با این حال نایست از این نکته غافل شد که نتیجه این رویکرد بویهیان، حفظ حکومت آنها برای مدتی حدود یک قرن، در مکان و دورانی پر آشوب، بوده است.

۲- فرضیه دیگری که در مورد عدم بازتاب شعائر شیعی بر سکه های آل بویه می توان در نظر گرفت مربوط به تحولات مذهبی آنان است. در توضیح بایست گفت در مورد وابستگی آل بویه به مذهب زیدیه یا اثنی عشریه، در بین مورخان و محققان اختلاف نظر وجود دارد.

شواهدی مبنی بر تعلق خاطر آنان به مذهب زیدیه وجود دارد. گفته شدن آل بویه پس از تسلط بر عراق در اندیشه براندازی خلافت عباسی و ایجاد خلافتی شیعی به رهبری یکی از بزرگان زیدی بودند اما به سبب عدم وجود زمینه های مناسب اجتماعی از این امر صرف نظر کردند. (ر.ک: همدانی، بی تا: ۳۵۴؛ طقوش، ۱۳۸۷: ۲۷۳-۲۷۴) در منابعی دیگر نیز به زیدی بودن آل بویه اشاره شده است. (ر.ک: مادلونگ، ۱۹۸۷: ۱۱۰؛ ابن طاووس، ۱۳۶۳: ۱۴۵)

با این حال برخی دیگر از شواهد، نظیر اظهار شعارهای خاص شیعیان دوازده امامی توسط آل بویه (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۲۰/ ۲۵۶؛ کرم، ۱۳۷۵: ۸۲)، برپایی مراسم عزاداری عاشورا (ابن جوزی، بی تا: ۱۵/۷) و جشن روز غدیر در بغداد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/۲۶۲) توسط آنان، و رابطه حسنه ای که آل بویه با علمای امامی مذهب داشته اند، به امامی بودن آل بویه اشاره دارند. خبر دیگری که بر امامی بودن آل بویه دلالت دارد، روایت منابع تاریخی از سال پایانی حکومت بویهیان در ری است. هنگامی که در سال ۴۲۰ ق. سلطان محمود غزنوی وارد ری شده و به حکومت آل بویه پایان داد، در نامه ای به خلیفه از وجود پنجاه زن آزاد در حرمسرای آل بویه خبر داد. (مجهول المؤلف، بی تا: ۴۰۴) این عمل مبین جواز متعه در بین آل بویه است و می دانیم که متعه از اختصاصات شیعه امامیه به شمار می آید.

با این حال برخی دیگر از محققان معاصر نظری دیگر درباره نوع مذهب شیعی آل بویه ابراز کرده اند که ترکیبی از دو نظر قبلی است و می تواند به نوعی راهگشای حل این مسئله باشد. مطابق این نظر، آل بویه با توجه به سابقه مذهب زیدیه در طبرستان، ابتدا مذهب زیدی داشتند ولی بعداً به مذهب امامی گرایش پیدا کرده اند. شیعی با استناد به نقلی از بیرونی بر همین عقیده تاکید دارد. (شیعی، ۱۳۸۰: ۴۱-۴۲) می توان نظر این گروه از محققان را برای بیان فرضیه ای در مورد عدم بازتاب شعائر شیعی بر سکه های آل بویه مورد استفاده قرار داد؛ در توضیح بیشتر این فرضیه می توان گفت در ابتدا که آل بویه متأثر از تشیع زیدی بودند می بایست یکی از ائمه زیدی را به عنوان رهبر حکومتی که تأسیس کرده بودند، منصوب می کردند و بطور طبیعی نام او را در سکه های خویش به جای خلیفه عباسی ذکر می کردند، اما آنان از این کار صرف نظر کردند زیرا این امر به معنای از دست رفتن قدرت و حاکمیت آنان بود. همچنین چنین تغییری علاوه بر اینکه حکومت آل بویه را متزلزل می نمود، جهان اسلام را نیز به چالش می کشید زیرا اکثریت مسلمانان معتقد به مشروعیت سیاسی و مذهبی خلافت عباسی بودند. بعلاوه این امر شیعیان عراق را که امامی مذهب بودند نیز ناخرسند می کرد. از این رو آل بویه حفظ خلافت عباسی را مناسب تر

دانستند و در سکه های خویش نام خلفای عباسی را ذکر کردند. نایست فراموش کرد که در اصول زیدیه اصلی با نام «مجاز بودن امامت مفضول با وجود افضل» نیز وجود داشت که تصمیم آنان را موجه جلوه می داد. دوری آل بویه از زیدیه و نزدیک شدن آنان به مذهب امامیه نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. شاید آنان چنین می اندیشدند اگر به مذهب امامیه بگروند وظیفه ای در سپردن حکومت به علویان ندارند؛ این محتمل است که آل بویه به مذهب امامی درآمدند که امام آن غایب بود و آنها می توانستند حکومت را در اختیار خود داشته باشند. درست به همین دلیل است که آنان حتی خلافت عباسی را حفظ می کنند. (برای اطلاع در مورد این نظر ر. ک: جعفریان، ۱۳۸۸: ۳۷۸؛ کرمر، ۱۳۷۵: ۸۰) در این دوران نیز آل بویه هیچ سکه ای با شعارهای شیعی ضرب نکرده اند زیرا آنان می توانستند با استناد به غیبت امام عصر خویش، از ضرب سکه های شیعی شانه خالی کنند و بدین ترتیب از ایجاد حساسیت در بین اکثریت مسلمانان، که معتقد به مشروعیت خلافت عباسی بودند، نیز پیشگیری کرده و حاکمیت خود را همچنان استمرار بخشند.



سکه عمادالدوله علی بن بویه/درهم/ضرب شیراز، ۳۲۴ق. /متن روی سکه: لا اله الا الله/وحده لاشریک له/علی بن بویه/بسم الله ضرب هذا الدرهم بشیراز سنه اربع و عشرين و ثلاثمائه/الله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله/متن پشت سکه: الله/محمد رسول الله/الراضی بالله/محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۵۰۸)



سکه معزالدوله احمد بن بويه /دينار/ضرب مدينه السلام، ۳۴۲ق. /متن روی سکه: لا اله الا الله /وحده لاشريك له /معزالدوله ابو الحسين بويه /بسم الله ضرب هذا الدينار بمدينه السلام سنه اثنتين و اربعين و ثلاثمائه /الله الامر من قبل و من بعد و يومئذ يفرح المؤمنون بنصرالله /متن پشت سکه: لله /محمد رسول الله صلى الله عليه و سلم /المطيع بالله /ركن الدوله ابو علي بويه /محمد رسول الله ارسله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۵۱۰)



سکه عضدالدوله فناخسرو بن ركن الدوله /درهم، ضرب ارجان، ۳۴۲ق. /متن روی سکه: لا اله الا الله /وحده لاشريك له /ركن الدوله ابو علي /بسم الله ضرب هذا الدرهم بارجان سنه اثنتين و اربعين و ثلاثمائه /الله الامر من قبل و من بعد و يومئذ يفرح المؤمنون بنصرالله /متن پشت سکه: لله /محمد رسول الله /المطيع بالله /عضدالدوله ابو شجاع /محمد رسول الله ارسله بالهدى و دين الحق ليظهره

علی الدین کله و لو کره المشرکون. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۵۱۴)

۴- سکه های آل باوند

آل باوند سلسله ای از امیران محلی مازندران منسوب به باوندی شاپور، احتمالاً از نوادگان قباد شاه ساسانی، بودند که میان سال های ۴۵ تا ۷۵۰ ق. به نام «اسپهبدان» یا «شاهان مازندران» در سه شاخه به نامهای «کیوسی»، «اسپهبدی» و «کین خوازی» بر بخشهایی از مازندران و گیلان فرمان راندند. (سجادی، بی تا: ۵۸۵/۱) مرکز اصلی آنها فریم، در بخش شرقی سلسله جبال البرز که از درون طبرستان می گذشت، بود. (بازورث، ۱۳۸۱: ۳۱۸؛ جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: حقیقت (رفیع)، ۱۳۵۶: ۲۹۵-۲۹۷ و ۳۶۸-۳۷۱) نخستین شاخه آل باوند با نام کیوسیان، منسوب به کیوس یا کاووس پسر قباد، بودند که سیزده تن از آنان از سال ۴۵ تا حدود ۳۹۰ ق. در فریم فرمان راندند. حسام الدوله شهریار پسر قارن (د پس از ۵۰۷ ق.). موسس دومین شاخه آل باوند، سلسله «اسپهبدیه»، است که تا سال ۶۰۶ ق. برپا بود. از آن هنگام تا یورش مغولان، آل باوند به استقلال فرمان نمی راندند بلکه از سوی سلطان خوارزمشاهی امارت داشتند. (سجادی، بی تا: ۵۹۵/۱) پس از یک فاصله چند ده ساله، باوندیان به صورت یک شاخه جانبی که «کین خوازی» خوانده می شد، از نو روی کار آمدند و به عنوان دست نشاندهان ایلخانان مغول به حکومت پرداختند (بازورث، ۱۳۸۱: ۳۱۹) هرچند قلمروشان از شاخه پیشین محدودتر بود. آخرین آنان فخرالدوله حسن پسر کیخسرو بود که با مرگ او در سال ۷۵۰ ق. سلسله آل باوند به کلی منقرض شد. (ر.ک: سجادی، بی تا: ۵۹۵/۱-۵۹۶) کین خوازی به دست یک خاندان مازندرانی دیگر، یعنی خاندان کیاافراسیاب چلابی، برافتاد. باوندیان، بویژه در دوران اسپهبدی، تمایلات شیعی بارزی از خود نشان داده اند. بازورث اشاره می کند که باوندیان در دوره نخست حکمرانی خویش، در طی دوره ای که دست نشانده بوییان بودند، به مذهب شیعه اثنی عشری گرویدند و از دوران اسپهبدیه صددرصد شیعه دوازده امامی بودند. (بازورث، ۱۳۸۱: ۳۱۸-۳۱۹) گزارش هائی از گرایش شیعی باوندیان اسپهبدی، حمایت آنان از علویان و سادات و شیعیان و نیز توجه آنان به بقاع متبرکه شیعه در منابع تاریخی نقل شده

است. (ر.ک: ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: قسم اول/ ۱۰۸ و ۱۱۹-۱۲۰ و قسم دوم و سوم/ ۳۳-۳۴، ۹۱ و ۱۳۱؛ مرعشی، ۱۳۴۵: ۹۶-۹۷)

سکه های باوندیان کیوسی در فریم ضرب شده اند؛ بیشتر سکه های باوندیان اسپهبدی نیز ضرب ساری هستند اما نمونه های نادری نیز ضرب شهرهای آمل، بسطام، شهمار و نیشابور به دست آمده است. ضرب سکه های باوندی به خوبی صورت نگرفته و نوشته های این سکه ها غالباً خارج از مرکز و کم عمق است. به علاوه وزن دینارهای باوندی بسیار کم است. (رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۴۷۳-۴۷۴) بطور کلی سکه های باوندیان به سبک و تقلید سکه های عباسیان و آل بویه ضرب شده اند و بر روی آنها نام خلفای عباسی و امرای باوندی، و در برخی موارد نام تعدادی از حاکمان بویهی و زیاری و سلجوقی، حک شده است. همچنین شعارهایی نظیر «لله»، «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله» و بخشی از آیات ۵۴ و ۵۵ سوره روم (لِلّٰهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بَنَصْرِ اللَّهِ) و ۳۳ سوره توبه (مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) بر سکه های آل باوند نقش بسته است.

نکته بسیار مهم اینکه شعار شیعی «علی ولی الله» بر روی برخی سکه های باوندیان حک شده است. کلام «علی ولی الله» از زمان رستم بن شروین (۳۵۳-۳۶۹ یا ۳۷۰ ق.) بر سکه های باوندیان کیوسی پدیدار می شود و در دوران حاکمان بعدی باوندی نیز استمرار می یابد. (ر.ک: رضائی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ۴۷۴-۴۷۶؛ حقیقت (رفیع)، ۱۳۵۶: ۳۷۰) بنابراین، با توجه به اطلاعات منابع سکه شناسی، ظهور و رواج تشیع در بین آل باوند به اواخر دوران باوندیان کیوسی، در اواسط قرن چهارم هجری، بر می گردد. سلسله آل باوند نوعاً بر سکه های خویش جمله فوق را ضرب کرده اند؛ استمرار استفاده از این شعار شیعی بر روی سکه های حاکمان باوندی نشان دهنده اعتقاد واضح آنان به مذهب اثنی عشری محسوب می شود. لازم به ذکر است از قارن پسر شهریار معروف به «ابوالموک» هشتمین حاکم باوندیان کیوسی (دح ۲۵۴ ق.)، به عنوان نخستین حاکم باوندی یاد شده که به اسلام گروید. (سجادی، بی تا: ۵۸۷/۱) از سوی دیگر همانگونه که بیان شد، شعار

شیعی «علی ولی الله» از زمان رستم بن شروین (۳۵۳-۳۶۹ یا ۳۷۰ ق.) بر سکه های باوندی پدیدار می شود. بنابراین، می توان بر اساس مدارک سکه شناسی گفت باوندیان که در آغاز زرتشتی بودند، هنگامی که مسلمان شدند در فاصله ای صد ساله (از اواسط قرن سوم تا اواسط قرن چهارم هجری) به تشیع گرویدند و تعلقات شیعی خود را بر سکه هایشان به نمایش گذاردند. گفتنی است نورالله شوشتری نقل کرده است رستم شاه غازی (حدود ۵۳۶-۵۶۰ ق.)، چهارمین حاکم باوندیان اسپهبدی، سکه و خطبه به نام مهدی صاحب الزمان (عج) کرده بود و خود را نایب او می دانست. (شوشتری، بی تا: ۳۸۶/۲) می توان گفت رستم شاه غازی به سبب پابندی شدید به تشیع دوازده امامی اقدام به این امر نموده بود.

در رابطه با حک نام برخی از حاکمان آل بویه بر روی سکه های باوندیان می توان این امر را از جمله مدارک ارتباط آنان با آل بویه شیعه مذهب به شمار آورد. همانگونه که اشاره شد، بازورث معتقد است باوندیان در دوره نخست حکمرانی خویش، در طی دوره ای که دست نشانده بوییان بودند، به مذهب شیعه اثنی عشری گرویدند. (بازورث، ۱۳۸۱: ۳۱۸-۳۱۹) نکته قابل توجه اینکه باوندیان نیز مانند آل بویه نام خلیفه عباسی را هم بر روی سکه های خویش ضرب کرده اند؛ این امر، نظیر آنچه در مورد آل بویه بیان شد، به معنای تأیید مشروعیت مذهبی-سیاسی عباسیان از سوی باوندیان شیعی نیست بلکه می توان این امر را ناشی از سیاست محتاطانه باوندیان در برابر خلافت عباسیان تلقی نمود زیرا باوندیان به عنوان حکومتی محلی و منطقه ای، و طبعاً دارای امکانات محدود نظامی و سیاسی، قادر به رویارویی با خلافت عباسی (که منبع مشروعیت بخش مهمی در جهان اسلام به شمار می آمد) نبودند. همچنان که نباید از نظر دور داشت در این دوران بخش اعظم ایران بیشتر سنی مذهب بودند؛ ذکر نام برخی از امرای سنی مسلک زیاری و سلجوقی بر روی سکه های آل باوند را نیز باید در این راستا تحلیل نمود.



سکه رستم بن شروین / درهم، ضرب فریم، ۳۶۵ق. / با نام خلیفه معزول مطیع لله / متن روی سکه: بامر رستم / لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله / بسم الله / ضرب هذا الدرهم بفریم سنه خمس و ستین و ثلاثمائه / لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله / متن پشت سکه: لله / محمد رسول الله / علی ولی الله / محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۴۷۵)



سکه رستم بن شروین / درهم، ضرب فریم، ۳۶۷ق. / متن روی سکه: لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله / رستم بن شروین / محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون / متن پشت سکه: الطائع لله / عضد الدوله ابوشجاع / موید الدوله ابو منصور / بسم الله / ضرب هذا الدرهم بفریم سنه سبع و ستین و ثلاثمائه / لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۴۷۶)



سکه مرزبان بن شروین/درهم بیلون، ضرب فریم، ۳۷۱ق. متن روی سکه: لا اله الا الله/الملك عضدالدوله و تاج المله/بسم الله/ضرب هذا الدرهم بفریم سنه احدى و سبعین و ثلاثمائه/الله الامر من قبل و من بعد و يومئذ یفرح المومنون بنصرالله/متن پشت سکه:الله/محمد رسول الله/علی ولی الله/الطائع لله/موید الدوله/محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۴۷۶)



سکه شهریار بن رستم/درهم بیلون، ضرب فریم/متن روی سکه: لا اله الا الله/وحدده لاشریک له/الطائع لله/شهریار بن رستم/بسم الله/ضرب هذا الدرهم بفریم سنه.../الله الامر من قبل و من بعد و يومئذ یفرح المومنون بنصر الله/متن پشت سکه:الله/محمد رسول الله/الامیر السید شاهانشاه فخرالدوله و فلک المله علی بن رکن الدوله/محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. (سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۴۷۶)



سکه علی بن شهریار/دینار، ضرب ساری/متن روی سکه: ملک / لا اله الا الله/محمد رسول الله/علی/بسم الله/ضرب هذا الدینار بساریه سنه...لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله/متن پشت سکه: لله/الراشد بالله/السلطان الاعظم ابوالحارث سنجر/محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون.(سکه های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، ص ۴۷۷)



سکه علی بن شهریار/ دینار/ عبارت «علی ولی الله» بر روی سکه.

<https://www.sixbid.com/browse.html?auction=476&category=10428&lot=488379>



سکه رستم بن شروین / درهم / عبارت «علی ولی الله» بر روی سکه.

http://db.stevealbum.com/php/lot_auc.php?site=2&sale=27&lot=732&lang=1

۵- سکه های اسماعیلیه نزاری ایران در دوره الموت

دولت اسماعیلی نزاری که مقر اصلی آن در قلعه کوهستانی الموت، واقع در رودبار دیلم در شمال ایران، قرار داشت، از لحاظ سرزمین و قلمرو زیر نفوذش بسیار پراکنده بود و از شام تا مشرق ایران را دربر می گرفت و قلاع بسیار با نواحی اطراف آن را در حیظه سیطره و استیلای خود داشت. (برای اطلاع بیشتر در مورد «الموت» ر.ک: لسترنج، ۱۳۸۳: ۲۳۸؛ سجادی و مجیدی، بی تا: ۹۷-۹۱/۱۰) حسن صباح (۴۸۳-۵۱۸ ق.) آغازگر حرکت اسماعیلیه نزاری در ایران است؛ عصر او همزمان با فعالیت گسترده داعیان فاطمی در ایران بود. در این میان حسن صباح با چند نفر از داعیان اسماعیلی ارتباط برقرار کرد و به آیین اسماعیلی درآمد. (همدانی، ۱۳۸۷: ۹۹؛ جوینی، ۱۳۸۵: ۱۸۸/۳) حسن صباح در سال ۴۸۱ ق. عازم مصر و دربار خلفای فاطمی شد. در این زمان بر سر موضوع ولایتعهدی خلیفه مستنصر (۴۲۷-۴۸۷ ق.) میان دو پسرش، نزار و مستعلی، اختلاف افتاد و طرفداری حسن صباح از نزار، موجب اخراج او از مصر گردید. (ر.ک: همدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰-۱۰۲؛ جوینی، ۱۳۸۵: ۱۸۹/۳-۱۹۱) از آن پس نزاع بر سر مشروعیت این جایگزینی و مسئله امام بر حق سبب جدایی دو شاخه بزرگ اسماعیلی از همدیگر شد؛ در مصر، یمن و از آن پس هندوستان از جانشینی مستعلی طرفداری شد اما در برابر این شاخه از اسماعیلیه که بعدها «اسماعیلیه مصر یا مغرب» نام گرفت، در شرق شاخه ای دیگر از اسماعیلیان از نزار طرفداری کردند و او را امام بر حق دانستند. این شاخه از اسماعیلیه که بعدها «اسماعیلیه شرق یا اسماعیلیه ایران» نام گرفت، وامدار بیعت و وفاداری حسن صباح به نزار بود. حسن صباح پس از بازگشت به ایران در سال ۴۸۳ ق. قلعه

الموت را از کارگزاران سلجوقی ستاند و به تصرف خود در آورد (ر.ک: جویی، ۱۳۸۵: ۱۳۳/۳-۱۹۳-۱۹۵) و به تدریج پایه های دولتی را گذاشت که تا سال ۶۵۴ق. به حیات خویش ادامه داد. در دعوت اسماعیلی نزاری دوره الموت که حسن صباح پایه گذار آن بود، هشت تن رهبری دعوت اسماعیلی را بر عهده داشتند؛ سه تن (حسن صباح، کیا بزرگ امید و محمد بن بزرگ امید) به عنوان داعی به اندیشه اسماعیلی خدمت گذاردند و پنج تن (حسن علی ذکرة السلام، نورالدین محمد، جلال الدین حسن، علاء الدین محمد و رکن الدین خورشاه) نیز خود را امام خواندند. تا پایان دوران حکمرانی بزرگ امید (۵۱۸-۵۳۲ق.)، نزاریان بطور واضح دولت مستقلی برای خود تشکیل داده بودند. سرزمین های پراکنده قلمرو این دولت در اساس مرکب بود از دو منطقه در ایران یعنی رودبار و قهستان و بخش جنوبی جبل بهراء در شام. پایتخت این دولت، یعنی آنجا که پیشوا و رهبر ایرانی جامعه نزاری استقرار داشت، معمولا الموت بود. (دفتری، ۱۳۷۶: ۴۳۴) در سال ۶۵۴ق. با حمله هلاکو خان مغول، رکن الدین خورشاه (۶۵۳-۶۵۴ق.)، آخرین حاکم دولت نزاری، خود را تسلیم نمود و به فرمان هلاکو قلاع اسماعیلی در مدت کمتر از یک ماه ویران شد. (ر.ک: همدانی، ۱۳۸۷: ۱۸۶؛ جویی، ۱۳۸۵: ۳ / ۲۶۷؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۲۷) بدین سان دولت اسماعیلیان نزاری در ایران، تقریبا همزمان با خلافت عباسی، منقرض شد. رکن الدین بعدها بنا به درخواست خودش به پایتخت مغولان، قراقروم، فرستاده شد اما در آنجا کشته شد. (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۹۰؛ جویی، ۱۳۸۵: ۲۷۷/۳)

حاکمان دولت اسماعیلیه نزاری ایران از دوران محمد بن بزرگ امید (۵۳۲ تا ۵۵۷ق.) شروع به ضرب سکه نموده اند. (سجادی و مجیدی، بی تا: ۹۷/۱۰) نکته مهم اینکه متون حکک شده بر روی برخی از سکه های اسماعیلیان ایران در این دوره، نمایانگر اعتقادات شیعی آنان است. از محمد بن بزرگ امید سکه هائی از جنس طلا، ضرب سالهای ۵۳۷، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۵۳ و ۵۵۵ ق.، در دست است که بر آنها نام وی و عبارات «علی ولی الله / المصطفی لدین الله نزار» و صلوات بر آباء و

احفاد وی حک شده است. نام ضربخانه این سکه ها «کرسی الدیلم» ذکر شده است. (ر.ک: علاءالدینی، ۱۳۹۴: ۴۱۱؛ اعظمی، ۱۳۵۱: ۹۹؛ سجادی و مجیدی، بی تا: ۹۷/۱۰)

از علاءالدین محمد (۶۱۸-۶۵۳ ق.) نیز سکه ای در دست است که در سال ۶۵۰ ق. ضرب شده و بر روی آن عبارات «لا اله الا الله/محمد رسول الله/علی ولی الله» نقش بسته و در پشت آن نیز عبارت «السلطان الاعظم علاءالدین و الدین محمد بن حسن» و محل ضرب سکه (کرسی دیلم) آمده است. (سرافرازی، ۱۳۹۴: ۱۳) سکه هائی دیگر از علاءالدین محمد سوم نیز در دست است که بر روی آنها عبارات «المولی الاعظم» و یا «محمد بن الحسن» حک شده و در پشت آنها نیز عبارات «علاءالدین و الدین» و «محمد بن الحسن» آمده است. بر پشت برخی از این سکه ها تصویر سوارکاری در حال شکار و یا تصویر دو قلاده شیر نیز دیده می شود. (ر.ک: علاءالدینی، ۱۳۹۴: ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵ و ۴۱۶)

علاوه بر موارد ذکر شده، سکه ای استثنائی و جالب توجه از اسماعیلیان الموت نیز معرفی شده که از جنس طلا بوده و بر روی آن عبارات «لا اله الا الله/محمد رسول الله/علی ولی الله/فاطمه سیده النساء العالمین/الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة/محمد بن الحسین^۱» و «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَ دِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ» (بر گرفته از آیه ۳۳ سوره توبه) آمده و در پشت سکه نیز عبارات «لا امام الا امام الحق/عبدالله و ولیه نزار ابوالقاسم/الامام المصطفی لدین اله/امیرالمومنین» حک شده است. (اندامی و سلیمانی، ۱۳۸۰: ۸۱)

مطالعه سکه های دولت اسماعیلیه نزاری ایران در وهله اول نشانگر این امر است که با وجود فشارهای شدید سیاسی و مذهبی که از سوی دیگر حکومتهای وقت بر دولت اسماعیلیه نزاری ایران تحمیل می گردید، آنان توانستند با حل و فصل امور داخلی و تثبیت موقعیت و تقویت بنیه اقتصادی خویش، اقدام به ضرب سکه نماید. این امر بیانگر توانایی دولت اسماعیلیه نزاری در فائق

۱. در منبع ذکر شده «محمد بن الحسین» گفته شده با این حال به نظر می رسد «محمد بن الحسن» صحیح است که همان «نورالدین محمد فرزند حسن علی ذکرة السلام (۵۶۱-۶۰۷ ق.)» و یا «علاءالدین محمد فرزند جلال الدین حسن (۶۱۸-۶۵۳ ق.)» است.

آمدن بر مشکلات طاقت فرسای تحمیل شده بر این دولت است زیرا آنان توانستند با فراهم کردن زمینه های لازم سیاسی و اقتصادی، نسبت به ایجاد دارالضرب و ضرب سکه اقدام کنند. نکته مهم تر اینکه اعتقادات شیعی اسماعیلیان نزاری ایران در دوره الموت بر سکه های آنان نیز بازتاب یافته است. شعارهای مذهبی اسماعیلیان نزاری ایران که بر سکه های آنان نقش بسته، کلام «علی ولی الله»، اسامی فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع) و عبارت «المصطفی لدین الله نزار» است. کلام «علی ولی الله» و اسامی فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع) بطور کلی و عام نشانگر تعلق خاطر آنان به تشیع است و عبارت «المصطفی لدین الله نزار» نیز بطور اختصاصی وابستگی آنان را به شاخه نزاری تشیع اسماعیلی نشان می دهد. این عنوان نمایانگر اعتقاد آنان به امامت نزار است؛ همانگونه که پیشتر بیان شد، بعد از دوران خلیفه فاطمی المستنصر بر سر جانشینی او اختلافاتی رخ داد که منجر به خلافت المستعلی شد و بدینگونه طرفداران نزار از حکومت فاطمیان مصر جدا شده و سلسله دیگری از امامان اسماعیلیه را به رهبری نزار ایجاد کردند که «اسماعیلیه نزاری» نامیده شد. پیروان این شاخه از اسماعیلیه در ایران قدرت یافتند و موفق به تشکیل دولت اسماعیلیه نزاری شدند که سکه های مورد بحث یکی از شاخصه های آن دولت است.

لازم به ذکر است جلال الدین حسن (۶۰۷-۶۱۸ ق.)، ششمین رهبر اسماعیلیه نزاری ایران در دوره الموت، در دوران حکومت خود آنچه در توان داشت انجام داد تا جهان اهل سنت را متقاعد کند که جامعه نزاری تعالیم و رسوم گذشته را به فراموشی سپرده است و اکنون به مذهب اهل سنت پایبند است. (دفتری، ۱۳۷۶: ۴۶۲) این فعالیت ها سبب شد که فقهای اهل سنت نظر مساعدی به نزاریان پیدا کنند و جلال الدین حسن نیز به «نومسلمان» ملقب گردید. (همدانی، ۱۳۸۷: ۱۷۲؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: جوینی، ۱۳۸۵: ۲۴۲/۳-۲۴۴؛ لویس، ۱۳۶۲: ۲۴۳-۲۴۴) با این حال در دوران فرزندش، علاءالدین محمد سوم (۶۱۸-۶۵۳ ق.)، در سیاست نزدیک شدن به اهل سنت که توسط جلال الدین حسن اعمال گردیده بود، تجدید نظر صورت گرفت. (ر.ک: همدانی، ۱۳۸۷: ۱۷۷؛

شبانکاره ای، ۱۳۸۱: ۱۳۱/۲؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۲۵) بر اساس مدارک سکه شناسی می توان وقوع این تحول در دوران علاءالدین محمد را تایید نمود زیرا از او سکه ای در دست است که در سال ۶۵۰ق. ضرب شده و بر روی آن عبارت «علی ولی الله» نقش بسته است^۱. (سرافرازی، ۱۳۹۴: ۱۳)

نکته نهایی در مورد سکه های اسماعیلیان نزاری ایران در دوره الموت اینکه بر روی غالب سکه های آنان که تاکنون به دست آمده، نام دارالضرب «کرسی الدیلم» ذکر شده است. بنابراین، این سکه ها وجود ضرابخانه ای را در دستگاه اسماعیلیان الموت تأیید نموده و تصریح می کند که جای ضرابخانه در «کرسی دیلم» بوده است. برخی معتقدند احتمالاً مراد از «کرسی دیلم»، خود الموت است (ر.ک: سجادی و مجیدی، بی تا: ۹۷/۱۰) هرچند بایست گفت نمی توان در مورد این امر که آیا «کرسی الدیلم» همان دژ الموت است و یا اینکه به مکان دیگری در منطقه الموت اطلاق می شده، اظهار نظر قاطعی نمود زیرا لسترینج می نویسد کرسی بلاد دیلم، «رودبار» بوده که محل آن مشخص نیست. او از مکانی به نام «بروان» نیز نام می برد که به عنوان «کرسی دیلم» از آن یاد شده و محل دقیق آن نیز مشخص نیست. (لسترینج، ۱۳۸۳: ۱۸۶)

^۱ . این سکه در منبع ذکر شده (شعائر شیعی بر سکه های اسلامی تا شکل گیری حکومت صفویان) به اشتباه به جلال الدین حسن نومسلمان (۶۰۷-۶۱۸ق.) نسبت داده شده در حالی که سال ضرب این سکه (۶۵۰ق.) همزمان با حکومت علاءالدین محمد (۶۱۸-۶۵۳ق.) است.



سکه محمد بن بزرگ امید/ضرب کرسی دیلم، ۵۴۲ق./متن روی سکه: لا اله الا الله/محمد رسول الله/محمد بن بزرگ امید/حاشیه:بسم الله/ضرب هذا الدينار بكرسى الديلم سنة اثني و اربعين و خمس مائه(۵۴۲)/متن پشت سکه:على ولى الله /المصطفى لدين الله نزار/حاشیه:اميرالمومنين صلوات الله عليه و على آباءه الطاهرين و ابناؤه ابا...؟(سکه های ایران از طاهريان تا خوارزمشاهيان،ص ۴۱۱)



سکه اسماعيليه نزارى ايران/كرسى دیلم، ۵۵۷ق./متن روی سکه: لا اله الا الله/محمد رسول الله/حاشیه:بسم الله/ضرب هذا الدينار ببلده الاقبال كرسى الديلم سنة سبع و خمسين و خمس مائه(۵۵۷)/متن پشت سکه:على ولى الله /المصطفى لدين الله نزار/حاشیه:اميرالمومنين صلوات الله عليه و على آباءه الطاهرين و ابناؤه ابا...؟(سکه های ایران از طاهريان تا خوارزمشاهيان، ص ۴۱۲)



سکه علاءالدین محمد سوم / متن روی سکه: محمد / المولی الاعظم / متن پشت سکه: تصویر یک سوار کار به طرف چپ در حال تیراندازی با کمان به طرف راست. / در زیر پای اسب خرگوشی در حال دویدن به طرف راست که سرش را به عقب برگردانیده است. (سکه های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان، ص ۴۱۵)

نتیجه

در طول قرون چهارم تا هفتم هجری بر سکه های آل مسافر (سکّاریان)، آل بویه، آل باوند و دولت اسماعیلیه نزاری ایران مفاهیم و شعائر شیعی حکک شده است. بررسی و تحلیل متون شیعی نقش بسته بر سکه های این حکومتگران، اطلاعات گرانبهایی از عقاید و سیاست مذهبی این حاکمان ارائه می دهد و نشانگر نقش و کاربرد سکه شناسی در بازشناسی اعتقادات و سیاستهای شیعی این حکومتگران ایرانی در طول قرون دوم تا چهارم هجری است. حکک کلام «علی خلیفه الله» و آیه ۵۵ سوره مائده بر سکه های آل مسافر و همچنین توصیف آنان با عنوان «سیف آل محمد» بر این سکه ها، نشانگر گرایشهای عام شیعی آل مسافر است و نقش اسامی امامان به شیوه اسماعیلیه قرمطی بر سکه های آل مسافر بیانگر تعلق خاطر آنان به مذهب اسماعیلیه قرمطی است. ضرب سکه های فاقد ضابطه شیعی توسط آل مسافر نیز به سبب توان محدود سیاسی و نظامی این حکومت منطقه ای بوده است. در مورد سکه های آل بویه می توان گفت با توجه به تعلق خاطر آشکار آنان به مذهب تشیع، انتظار می رفت آنان با قوت و رسمیت بیشتری نسبت به ضرب سکه هائی با شعائر شیعی اقدام کنند در حالی که به ندرت شعائر شیعی را بر سکه های خود حکک نموده اند. در رابطه با دلیل این امر بایست گفت به سبب اوضاع و احوال مذهبی و سیاسی آن روزگار جهان اسلام، آل

بویه ناچار بودند در اعمال سیاستهای مختلف خویش عملگرایانه و بسیار محتاطانه اقدام نمایند. در آن دوران اکثریت مسلمانان سنی مسلک بوده و به مشروعیت مذهبی - سیاسی خلافت عباسی اعتقاد داشتند؛ بنابراین آل بویه نیز ناچار بودند برای حفظ موقعیتشان، مصالح سیاسی خویش را بر عقاید شیعی خود برتری دهند. همچنین نباید از نظر دور داشت که آل بویه در دورانی که به مذهب زیدیه اعتقاد داشتند بایست نام یکی از ائمه زیدی را در سکه های خود حک می کردند که این امر به معنای از دست رفتن حاکمیت آنان بود. به همین سبب برخی معتقدند آل بویه از مذهب زیدیه به اثنی عشریه (که امام آن غائب بود) گرویدند تا دلیلی برای سپردن حاکمیت به امامی دیگر نداشته باشند؛ در این صورت آنان لزومی برای حک شعائر شیعی بر سکه های خویش نیز نداشتند. سکه های شیعی آل باوند نشان می دهند ظهور و رواج تشیع در بین آنان به اواخر دوران باوندیان کیوسی، در اواسط قرن چهارم هجری، بر می گردد. بر اساس مطالعه مسکوکات باوندیان می توان گفت آنان که در اواسط قرن سوم هجری از زرتشتی گری به اسلام گرویده بودند، در مدت یک قرن (از اواسط قرن سوم تا اواسط قرن چهارم هجری) به تشیع متمایل شده و به این مذهب گرویدند و نگرش شیعی خود را بر سکه هایشان به نمایش گذارده اند. استمرار استفاده از شعائر شیعی (از جمله کلام «علی ولی الله» و در مواردی نام مهدی صاحب الزمان (عج)) بر سکه های حاکمان باوندی، نشانگر اعتقاد واضح و راسخ آنان به تشیع به شمار می آید. حک نام دیگر حاکمان (از جمله خلفای عباسی و آل بویه) بر سکه های باوندیان نیز در راستای سیاست محتاطانه آنان در برابر حکومت های صاحب نفوذ و قدرت در آن روزگار، قابل تفسیر است. ضرب سکه توسط اسماعیلیان نزاری ایران در دوره الموت نشانگر این امر است که آنان با وجود شرایط دشوار سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی، قادر به تثبیت موقعیت سیاسی و اقتصادی خویش شدند تا بدانجا که نسبت به ضرب سکه، که امری حاکمیتی به شمار می آمد، نیز اقدام کردند. شعائر شیعی حک شده بر سکه های آنان نیز نشانگر اعتقاد اسماعیلیه ایران در دوره الموت به امامت نزار و تعلق خاطر آنان به شاخه نزاری تشیع اسماعیلی است. بررسی شعائر شیعی حک شده بر

سکه های حکومتگران یاد شده در ایران قرون چهارم تا هفتم هجری نشان می دهد که می توان از دانش سکه شناسی به عنوان یکی از بهترین و موثق ترین منابع در بازشناسی نگرش و سیاستهای مذهبی این حاکمان استفاده کرد و تصویر واضح تری از تحولات تاریخ تشیع در این دوران ارائه نمود.

فهرست منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۱). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی.
- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶). *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: پدیده خاور.
- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (بی تا). *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، بی جا، بی نا.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۹۳۸). *صورة الارض*، بیروت: دار صادر، افست لیدن.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۳). *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم: الشریف الرضی.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس.
- اعظمی، چراغعلی (۱۳۵۱). «سکه ای یکتا و بی همتا از دژ الموت»، گوهر، شماره ۱، ص ۹۹-۱۰۳.
- امامی، محمدجعفر (۱۳۸۵). *شأن نزول آیات قرآن*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- اندامی، پریسا و سعید سلیمانی (۱۳۸۰). «برگی از سکه شناسی روند تشیع در ایران»، کتاب ماه هنر، ش ۳۱ و ۳۲، ص ۸۰-۸۵.
- بازورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱). *سلسله های اسلامی جدید: راهنمای گاهشماری و تبارشناسی*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران.
- ترابی طباطبائی، سید جمال (۱۳۵۱). *رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی*، نشریه شماره ۶ موزه آذربایجان، تبریز: شفق (چاپخانه).
- (۲۵۳۵). *سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران*، نشریه شماره ۷ موزه آذربایجان، تبریز: انتشارات اداره کل موزه ها.

- جعفریان، رسول (۱۳۸۸). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم.
- جوینی، عطاملک بن محمد (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشای جوینی، به اهتمام محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- حقیقت (رفیع)، عبدالرفیع (۱۳۵۶). «پریم یا فریم، پایتخت کوهستانی آل قارن و آل باوند (۲ و ۱)»، گوهر، شماره ۵۲، ۱۳۵۶، ص ۲۹۵-۲۹۷ و شماره ۵۳، ص ۳۶۸-۳۷۱.
- خمینی، سید حسن (۱۳۹۰). فرهنگ جامع فرق اسلامی: بر پایه دست نوشته های آیت الله سید مهدی روحانی، تهران: اطلاعات.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۶). تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
- رباح، اسحاق محمد (۲۰۰۸). تطور النقود الاسلامیه حتی نهایه عهد الخلفه العباسیه، عمان: دارکنوز المعرفه.
- رضائی باغ ییدی، حسن (۱۳۹۳). سکه های ایران در دوره اسلامی: از آغاز تا برآمدن سلجوقیان، تهران: سمت.
- رمضان، عاطف منصور محمد (۲۰۰۸). النقود الاسلامیه و اهمیتهای فی دراسه التاریخ و الآثار و الحضاره الاسلامیه، قاهره: زهراء الشرق.
- سجادی، صادق (بی تا). «آل باوند» در دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- سجادی، صادق و عنایت الله مجیدی (بی تا). «الموت» در دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- سرافرازی، عباس (۱۳۹۴). «شعائر شیعی بر سکه های اسلامی تا شکل گیری حکومت صفویان» شیعه شناسی، دوره ۱۳، ش ۵۱، ص ۷-۲۶.

سرفراز، علی اکبر و فریدون آوزمانی (۱۳۸۹). سکه های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.

شبانکاره ای، محمد بن علی (۱۳۸۱). مجمع الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
شترن، س.م. (۱۳۴۵). «نخستین داعیان اسماعیلی در شمال غربی ایران و خراسان و ماوراء النهر»، ترجمه فریدون بدره ای، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۳)، ص ۲۳-۶۹.

شوشتری، نورالله (بی تا). مجالس المومنین، تهران: اسلامیه.

شیبی، کامل مصطفی (۱۳۸۰). تشیع و تصوف: تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.

طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۷) دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۴). سکه های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان، تهران: فرهنگسرای میردشتی.

کرمر، جوئل (۱۳۷۵). احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کسروی، احمد (بی تا). شهریاران گمنام، تهران: بی نا.

----- (۱۳۱۱). «سکه یا سند تاریخی مهم»، ارمغان، شماره چهارم، سال سیزدهم، ص ۲۲۵-۲۲۸.

لسترینج، گای (۱۳۸۳). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.

لويس، برنارد (۱۳۶۲). تاریخ اسماعیلیان، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: توس.

مادلونگ، ویلفرد (۱۹۸۷) أخبار الائمة الزیدیه، بیروت: مطبعة المتوسط.

مجهول المؤلف (بی تا). مجمل التواریخ و القصص، تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران: کلاله خاور.

مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۴۵). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: شرق.

- مستوفی، حمد الله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، به اهتمام عبد الحسین نوایی، تهران: امیر کبیر.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۹۲). سکه های طبرستان، گرگان و استرآباد، تهران: پازینه.
- وثیق، منصوره (۱۳۸۷). دنانیر، سیر دینار در تاریخ پولی ایران، تبریز: ستوده.
- همدانی، رشید الدین فضل الله (۱۳۸۷). جامع التواریخ (اسماعیلیان)، تصحیح محمدروشن، تهران: میراث مکتوب.
- همدانی، محمد بن عبدالملک (بی تا). تکمله تاریخ طبری، بی جا، بی نا.
- یوسف، فرج الله احمد (۲۰۰۳/۱۴۲۳). الآیات القرآنیة علی المسکوکات الاسلامیة، دراسة مقارنة، الرياض: مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیة.